

بحران بین‌المللی افزایش هزینه‌های نظامی علل و پیامدها

محمدتقی حسینی^۱

چکیده: جامعه بین‌المللی با بحران‌های زیادی مواجه است. بحران‌هایی همچون فقر و عدم توسعه یافتگی بخش زیادی از جوامع انسانی، گرم شدن کره زمین، بحران اقتصادی، بروز بیماری‌های واگیردار، انباشت سلاح‌های کشتار جمعی، درگیری‌های منطقه‌ای و داخلی کشورها، کمبود مواد غذایی و آب آشامیدنی سالم از جمله مواردی هستند که جامعه بین‌المللی با آن‌ها روبه‌رو است. هر یک از این چالش‌ها به تنهایی نیازمند اقدامات و امکانات است که در موارد زیادی فراتر از امکانات محدود جامعه بین‌المللی است. بحران دیگری که درخور توجه است و هر روزه زنگ خطر بیشتری را برای جامعه بین‌المللی به صدا درآورده است افزایش هزینه‌های تسلیحاتی است. مقاله حاضر نقل و انتقالات تسلیحات، هزینه‌های نظامی، تجارت تسلیحات در خاورمیانه و مسائل مربوط به امنیت بین‌المللی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: تسلیحات، خاورمیانه، امنیت، جنگ سرد، نظام بین‌الملل، سازمان ملل، تجارت.

جامعه جهانی و نهادهای بین‌الدولی و غیردولتی فعال در زمینه خلع سلاح و کنترل تسلیحات به دلیل قدرت تخریبی و توان کشتار سلاح‌های کشتار جمعی و به‌ویژه سلاح‌های اتمی بیشتر توجه خود را به این خطر معطوف کرده‌اند. این توجه از جهتی قابل درک و ارزنده است. هر چند که اتخاذ استراتژی‌های مبتنی بر استفاده از سلاح هسته‌ای و تمایل برخی از کشورها به داشتن امنیت مطلق هرچند به قیمت ناامنی دیگران، اجازه هیچ پیشرفتی در زمینه خلع سلاح هسته‌ای را نیز نداده‌اند. خیره ماندن

۱. دکتر محمدتقی حسینی، نمایندگی جمهوری اسلامی ایران - زنو taghiho2005@yahoo.com

جامعه بین‌المللی به موضوع سلاح‌های هسته‌ای یک پیامد منفی به همراه داشته است و آن عدم‌توجه کافی به موضوع سلاح‌های متعارف و هزینه‌های مترتب بر این سلاح‌هاست. با تغییرات بعد از جنگ سرد تصور می‌شد که در زمینه نقل و انتقال تسلیحات نیز تغییراتی ایجاد شود. اما روندهای بعدی خلاف این را نشان داد و نه تنها کاهش در این زمینه رخ نداد بلکه افزایش قابل توجهی در این زمینه صورت گرفت.

وخامت اوضاع در این زمینه نشان‌دهنده بحران بزرگی در سطح جامعه بین‌المللی است که ما از آن به‌عنوان بحران اعتماد یاد می‌کنیم. بحران اعتماد راه را برای فرایندهای غیرعقلانی باز می‌کند. بحران‌های اقتصادی نیز به این موضوع دامن زده است تا کارخانه‌های بزرگ اسلحه‌سازی که عمدتاً در اختیار کشورهای قدرتمند است، این اشتیاق روزافزون به انتقال و انباشت سلاح‌ها را ترویج و همگانی کنند. در واقع، موضوع نقل و انتقال سلاح‌های متعارف در صورتی که هیچ مکانیزمی برای کنترل این تسلیحات وجود ندارد و با توجه به زمینه‌های مخاصمات در مناطق مختلف جهان خطر بزرگی است که متوجه ثبات و امنیت بین‌المللی است. در مقاله حاضر به این پرسش خواهیم پرداخت که بحران افزایش هزینه‌های تسلیحاتی چگونه پدید آمده است و چه تبعاتی به همراه دارد. فرض این مقاله این است که بحران اعتماد بین‌المللی، اقدامات یک‌جانبه و استفاده از نیروی نظامی برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی، فقدان سازوکارهای مناسب اعتمادسازی و نیز سودآوری تجارت تسلیحات برای تولیدکنندگان بزرگ از عناصر تشکیل‌دهنده این بحران هستند. این فرایند از ماهیت ثبات برانداز برخوردار است.

دغدغه همیشگی تسلیحات، کنترل تسلیحات و امنیت

تأمین امنیت بزرگ‌ترین دغدغه همه سیستم‌های سیاسی بوده است. آنچه که غالباً در موضوع تأمین امنیت بر ذهن و اندیشه تصمیم‌سازان سیاسی و نظامی سایه‌افکن بوده است یک دیدگاه مبتنی بر خوشبینی و رؤیای مدینه فاضله نبوده است. بلکه برعکس در این زمینه همواره غلبه با تردید و بدبینی و سوءظن نسبت به دیگران و

اهداف آن‌ها است. دنیای ذهن سیاستمداران در این زمینه عمدتاً دنیای هابزی^۱ بوده است. دنیایی که در آن انسان‌ها به مثابه گرگ همدیگر دیده می‌شوند. تعارض منافع بین انسان‌ها و دولت‌ها آن‌ها را در شرایطی قرار می‌دهد که بایستی آماده هر اتفاقی باشند. در چنین دنیای آکنده از شک و بدبینی با موعظه و نصیحت امکان حفظ موجودیت یک قوم یا یک کشور وجود ندارد. ابزارهایی برای این کار لازم است. اولین ابزاری که مورد توجه قرار گرفته است در اختیار داشتن تسلیحات است. بر این اساس بشر قبل از هر چیز و بیشتر از هر چیز به دنبال تهیه سلاح بوده است.

تاریخ بشری در مقاطع مختلف صرف‌نظر از هر سطح تکنولوژی که داشته است، شاهد تلاش بی‌وقفه برای ساخت سلاح، نگهداری و نهایتاً کاربرد آن بوده است. در مقاطع مختلف نیز تلاش‌هایی برای کاهش تسلیحات یا کنترل آن صورت گرفته است که عجزاً در موارد زیادی با موفقیت همراه نبوده است. پیدایش باروت و سلاح‌های جنگی آتشین انقلاب عظیمی در این عرصه پدیدار کرد. قرن نوزده میلادی در رشد توأمان دو دیدگاه توسعه تسلیحات و نیز محدود کردن تسلیحات مقطع مهمی به‌شمار می‌آید. پدیده‌های نو ظهور و نیروهای خاصی به‌وجود آمدند که تأثیرات زیادی به همراه داشتند. با توسعه تکنولوژی جنگی، مسابقه تسلیحاتی نیز به‌وجود آمد. از سوی دیگر با گسترش عقاید لیبرالیستی در خصوص خسارات اقتصادی و فقدان امنیت سیاسی حاصل از پیگیری سیاست تسلیحاتی، دیدگاه‌های مبتنی بر خلع سلاح و یا حداقل کاهش تسلیحات نیز رواج پیدا کردند.^(۱) پیمان راش باگوت ۱۸۱۷ بین آمریکا و انگلستان برای خاتمه دادن به جنگ ۱۸۱۳ از اولین و موفق‌ترین نمونه قراردادهای خلع سلاح در دوره مدرن است.^(۲) کنفرانس‌های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ به تدوین قواعد جنگ پرداختند و موجب یک رشته پیمان‌ها برای کاهش مصائب ناشی از جنگ گردید. در عین حال، اعلامیه‌های کنفرانس ۱۸۹۹ کاربرد گلوله‌های دام دام و گازهای خفه‌کننده و پرتاب گلوله‌های آتش‌زا به‌وسیله بالون یا با دیگر روش‌های جدید مشابه آن را ممنوع کرد. همچنین استفاده از زهر یا تسلیحات زهرآلود از طریق قواعد ضمیمه کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ ممنوع گردید.^(۳) کنفرانس‌های لاهه اولین تلاش جهانی در ارتباط با

۱. جمله معروف هابز Homo Momini Lupus est نمایانگر برداشتی است که دیدگاه شکاکانه رئالیست‌ها را شکل داده است.

مسئله جنگ و صلح بود و کشورهای شرکت‌کننده در آن به این نتیجه رسیدند که کنترل سلاح‌های جدید مستقیماً با منافع همه ملت‌ها ارتباط دارد و نیازمند اقدامات دسته‌جمعی است.^(۴) جنگ جهانی اول در عین حال که برخی از ایده‌آل‌های کنفرانس‌های لاهه را به فراموشی سپرد،^(۵) پیامدهای وحشتناک به‌کارگیری سلاح‌های جدید در مقیاس بی‌نهایت گسترده را پیش روی همگان قرار داد. این تحول نشان می‌داد که پیشرفت‌های تکنولوژی در زمینه ساخت سلاح چه آینده ترسناکی را ترسیم کرده است. سلاح‌هایی همچون تانک، زیردریایی‌ها، هواپیماها و گازهای خفه‌کننده از سلاح‌های نوظهوری بودند که ابعاد تلفات انسانی را در این جنگ به‌نحو بی‌سابقه‌ای افزایش داد. در مقابل نهادهای طرفدار صلح نیز بر فعالیت‌های خود در مورد کنترل تسلیحات افزودند. انعقاد پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، فعال‌شدن سیستم واشنگتن برای کاهش تسلیحات که با خروج ژاپن در سال ۱۹۳۶ بی‌نتیجه ماند، قرارداد بریان کلوگ ۱۹۲۸ از جمله اقداماتی بودند که متعاقب وضعیت جدید برای کنترل تسلیحات صورت گرفت. علاوه بر این، در معاهده ورسای آلمان وادار شد تا محدودکردن تسلیحات خود را بپذیرد. هر چند که بعداً با قدرت‌یافتن مجدد آلمان این کشور تعهد ایجادشده در پیمان ورسای را بی‌اثر کرد.^(۶)

موضوع دیگر که حائز اهمیت است توجه به این موضوع در میثاق ملل متحد بود. اصل هشتم میثاق جامعه ملل موضوع تسلیحات و ارتش‌های ملی را مورد توجه قرار داد و توصیه نمود که حفظ صلح ایجاب می‌کند که ارتش‌های ملی تا حدی که برای امنیت ملی کشورها و اقدامات مشترک و تعهدات بین‌المللی لازم است، کاهش یابند.^(۷) در سال ۱۹۳۲ پس از هفت سال تلاش از سوی جامعه ملل کنفرانس عمومی خلع سلاح^۱ تشکیل گردید. معیارهای متعددی به منظور محدودکردن نیروهای نظامی، تسلیحات و هزینه‌های نظامی پیشنهاد شد. از جمله آن‌ها طرح فرانسه برای ایجاد یک پلیس بین‌المللی تحت نظر جامعه ملل، طرح شوروی مبنی بر خلع سلاح عمومی و کامل و طرح آمریکا برای کاهش نیروهای نظامی و نابودکردن سلاح‌های شیمیایی، تانک‌ها، بمب‌افکن‌ها و توپخانه‌های سنگین بود که هیچ‌کدام پیگیری نشدند. با قدرت‌یافتن مجدد آلمان و سرکشی هیتلر از تعهدات پذیرفته شده و متعاقب آن خروج

1. World Conference on the Reduction and Limitation of Armaments

از کنفرانس، این نهاد عملاً اعتبار خود را از دست داد و در سال ۱۹۳۷ با بن‌بست کامل روبه‌رو و سپس منحل گردید. فرایند سوءظن و بدگمانی نسبت به اهداف بازیگران بین‌المللی در دهه شوم^۱ به جنگی گسترده‌تر از جنگ جهانی اول و با پیامدهای وسیع‌تر منتهی شد. با به‌کارگیری سلاح هسته‌ای در جنگ جهانی دوم توسط آمریکا علیه ژاپن، نوع تفکر در مورد تسلیحات و خلع سلاح نیز دچار دگرگونی عمیقی شد. استفاده از بمب اتمی علیه ژاپن مدت کوتاهی (حدوداً چهار روز) بعد از امضای منشور ملل متحد به وقوع پیوست.^(۸) بنابراین منشور ملل متحد به سلاح جدید هیچ اشاره‌ای نکرد. اما در عمل این سلاح جدید تمامی برداشتها و تصورات در مورد رابطه جنگ، صلح و تسلیحات را عوض کرد و استراتژی‌های کلان بین‌المللی برپایه این سلاح جدید پا به عرصه وجود گذاشتند. بنابراین اگرچه موضوع تسلیحات متعارف نیز در نقطه‌توجه جامعه بین‌المللی قرار داشته است اما تمرکز اصلی بحث‌ها در زمینه تسلیحات متوجه سلاح‌های کشتار جمعی و به‌ویژه سلاح هسته‌ای بوده است.

تعجب‌آمیز اینکه جامعه جهانی در پایان جنگ جهانی دوم شاهد تقاضای جدی و همگانی برای خلع سلاح نبود. اگرچه از خلع سلاح به‌عنوان هدفی مطلوب یاد می‌شد اما دول پیروز به جای توجه به خلع سلاح در پی آن برآمدند تا سیستمی را تدوین کنند تا از بروز جنگ فراگیر دیگری جلوگیری کند. بنابراین پنج قدرت دائمی شورای امنیت قدرت نظامی خود را با توجیه ضرورت آن برای حفظ صلح نگه داشتند. منشور نیز در مقایسه با میثاق اولویت مشخصی برای خلع سلاح قائل نشد. ماده ۱۱ منشور این چنین در نظر گرفته است که مجمع عمومی می‌تواند اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را بررسی کند و در مورد اصول مذکور به اعضا و یا به شورای امنیت و یا به هر دو توصیه نماید.^(۹) همچنین بر اساس مواد ۲۶ و ۴۷ شورای امنیت با همکاری کمیته ستاد نظامی اصولی را برای تنظیم تسلیحات تهیه و به اعضای ملل متحد توصیه می‌نماید. با در نظر داشت ساختار قدرت در سطح بین‌المللی بعد از جنگ روشن شد که فضای رقابت تسلیحاتی و گسترش سلاح در جهان با سرعت و شدت زیادی تداوم خواهد یافت. سازوکار بین‌المللی کارآمدی برای کنترل تسلیحات در این زمینه به‌وجود نیامد. در پایان جنگ جهانی دوم آمریکا به‌عنوان تنها دارنده سلاح هسته‌ای شناخته

می‌شد که با به‌کارگیری این سلاح علیه ژاپن سرنوشت جنگ را تغییر داده بود. اما در همین سال‌ها برتری در زمینه سلاح‌های متعارف در اختیار اتحاد جماهیر شوروی بود. پس از دستیابی اتحاد جماهیر شوروی به سلاح هسته‌ای و سپس افزوده‌شدن کشورهای هسته‌ای دیگر به این کلوپ، فضای گفتگوها در زمینه خلع سلاح نیز دچار تغییر محتوایی گردید. سیطره خطر هسته‌ای در این زمینه غلبه کامل داشت. در عین حال توسعه سلاح‌های متعارف و گسترش کمی و کیفی آن‌ها همچنان ادامه پیدا کرد. اگرچه سلاح‌های هسته‌ای به سلاح سیاسی تبدیل شدند که قالب و محتوای استراتژی‌های کلان بین‌المللی حول محور آن‌ها شکل می‌گرفت، اما در عمل سلاح‌های متعارف همچنان نقش عمده را در جنگ‌های بعد از جنگ جهانی دوم نیز حفظ کرده‌اند. تلفات انسانی و خسارات مالی این سلاح‌ها همچنان رو به فزونی داشته است. در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران که خونین‌ترین جنگ نیمه دوم قرن بیستم بود، سلاح‌های متعارف صدمات و خسارات گسترده‌ای ایجاد کردند. اگرچه در این جنگ رژیم صدام حسین با به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی بار دیگر خطر سلاح‌های کشتار جمعی را نیز پیش چشم جهانیان نمودار کرد. در پی تحولات تکنولوژیک و پیشرفت صنایع نظامی در حقیقت خطر برخی از سلاح‌های متعارف به خطر سلاح‌های کشتار جمعی نزدیک شده است.

هزینه‌های تسلیحاتی فزاینده

کشورهای محدودی از قابلیت سلاح‌های هسته‌ای برخوردارند. اما در زمینه سلاح‌های متعارف کشورهای زیادتری دخیل هستند. هرچند که تکنولوژی ساخت سلاح‌های متعارف نیز غالباً در دست کشورهای توسعه‌یافته‌ای است که عمدتاً از قابلیت‌های هسته‌ای نیز برخوردارند. کشورهای کمتر توسعه‌یافته عمدتاً مصرف‌کننده سلاح‌های متعارف هستند. در موارد زیادی فرصت مناسبی برای تولیدکنندگان فراهم می‌کنند تا از کیفیت و یا نقایص سلاح‌های تولیدشده آن‌ها آگاهی عینی‌تری به دست آورند. سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم شاهد شکل‌گیری بلوک‌های سیاسی برمبنای ایدئولوژی بود. قرن بیست را قرن ایدئولوژی‌های بزرگ نامیده‌اند^(۱۰) که از ویژگی‌های بارز آن سرازیر شدن انبوه اسلحه از سوی هر یک از محورهای دو بلوک به کشورهای

پیرامونی و رژیم‌های طرفدار یا داخل بلوک‌های سیاسی بود. اما از آنجا که تجارت اسلحه از پر سودترین تجارت‌های بین‌المللی است نقل و انتقال اسلحه تنها به نقل و انتقالات درون بلوکی محدود نشد. این تجارت به سرعت رونق خود را یافت و هر ساله بر رقم حاصل از این تجارت و فعالیت کمپانی‌های اسلحه‌سازی افزوده شد و کم و کیف سلاح‌ها نیز پیشرفت‌های زیادی را شامل بود. به‌عنوان مثال هزینه‌های نظامی در سال ۱۹۷۰ معادل ۲۳۵ میلیارد دلار بود. در فضای جنگ سرد این روند شتاب فراوانی به خود گرفت. در سال ۱۹۸۵ هزینه نظامی به مرز ۹۴۰ میلیارد دلار رسید.^(۱۱) یعنی رشد تجارت در این زمینه در فاصله پانزده سال چهار برابر شده است. با این همه عامل تعیین‌کننده در هزینه‌های تسلیحاتی و نقل و انتقال تسلیحات در زمان جنگ سرد رقابت‌های بلوکی و فضای بی‌اعتمادی بین دو بلوک قدرت بود. این شاخص بر هر شاخص دیگری غلبه داشت.

با پایان جنگ سرد یک کاهش موقتی در نقل و انتقال تسلیحاتی در سطح بین‌المللی نیز اتفاق افتاد. در سال ۲۰۰۲ این موضوع به کمترین حد خود رسید و در حدود ۳۸٪ نقل و انتقال تسلیحاتی در دوران جنگ سرد قرار گرفت.^(۱۲) از سال ۲۰۰۲ مجدداً روند صعودی در نقل و انتقال تسلیحات از سر گرفته شده است. این روند در سال ۲۰۰۸ به نقطه اوج خود تاکنون رسیده است و احتمال دارد که در سال‌های بعد همچنان روند رو به افزایش خود را ادامه دهد.

باتوجه به پایان جنگ سرد، این روند صعودی متأثر از شاخصه‌های دیگری است که در روابط بین‌المللی و ملاحظات امنیتی وارد شده و جای جنگ سرد را گرفته‌اند. این روند با سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا و به‌ویژه اقدامات این کشور در موضوع موسوم به جنگ با تروریسم که اشغال عراق و افغانستان از پیامدهای آن بود بی‌ارتباط نیست. گزارش مؤسسه سیپری به‌عنوان نهادی معتبر در زمینه مطالعات مربوط به صلح و امنیت از روند صعودی افزایش نقل و انتقال تسلیحات و هزینه‌های تسلیحاتی هشداردهنده و نگران‌کننده است. بانک اطلاعاتی سیپری به‌طور مداوم اطلاعات در مورد نقل و انتقال اقلام سلاح‌های متعارف را گردآوری کرده و این اطلاعات را روز آمد می‌کند. سلاح‌های مورد رجوع سیپری طیف گوناگونی از سلاح‌های متعارف را در بر می‌گیرد. هواپیماهای جنگی اعم از جنگنده‌ها با بال ثابت، هلی‌کوپترها و

هوایم‌های بدون سرنشین، تانک‌ها، توپخانه، سیستم‌های دفاع هوایی شامل موشک‌های زمین به هوا و همه تفنگ‌های با کالیبر ۴۰ میلی‌متر و بالاتر، موشک‌ها شامل همه موشک‌های تقویت‌شده، هدایت‌شونده و سایر موشک‌های با کلاهک متعارف، کشتی‌های با تناژ یکصد تن و بالاتر از آن و موتورهای هوایما، کشتی‌های جنگی و تانک در این بانک اطلاعاتی درج شده‌اند. براساس اطلاعات ارائه‌شده از جانب سیپری در سال‌های اخیر تجارت تسلیحات و هزینه‌های تسلیحاتی رشد چشمگیری داشته است. در سال ۲۰۰۷ هزینه نظامی در سطح جهانی به رقمی بالغ بر یک تریلیون و سیصد میلیارد دلار رسید.^(۱۳) این روند در سال ۲۰۰۸ نیز رو به افزایش بود. برخی ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که هزینه‌های تسلیحاتی در سال ۲۰۰۸ از یک تریلیون و چهارصد و شصت و چهار میلیارد دلار فراتر رفته است.^(۱۴) با مبنا قرار دادن این ارزیابی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که در طی دوره ده سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ حدود ۴۵٪ رشد در هزینه‌های نظامی رخ داده است. با این همه قابل انکار نیست که مسائل زیادتر دیگری وجود دارند که از دیدها مخفی مانده‌اند. زیرا در مورد نقل و انتقال تسلیحات و هزینه‌های تسلیحاتی شفافیت وجود ندارد. موضوع افزایش هزینه‌های نظامی و فقدان شفافیت در این زمینه به‌عنوان یک نگرانی در محافل مربوط به خلع سلاح در مجموعه ملل متحد مطرح است.^(۱۵)

ثبات و دگرگونی تجارت تسلیحات

در حالی که خریداران تسلیحات به نسبت زمان جنگ سرد متفاوت شده‌اند، اما بر اساس ارزیابی مؤسسه سیپری فروشندگان عمده تسلیحات همچنان بدون تغییر باقی مانده‌اند. پنج صادرکننده اصلی تسلیحات همچنان جایگاه خود را در این زمینه حفظ کرده‌اند. در مقطع ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ که اوج نقل و انتقال تسلیحات در زمان جنگ سرد به‌شمار می‌آید پنج کشور اتحاد جماهیر شوروی سابق، ایالات متحده آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان ۸۴٪ بازار صادرات تسلیحات متعارف را در اختیار داشتند.^(۱۶) با اندکی تغییر این ترکیب همچنان پابرجا مانده است. در مقطع بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ آمریکا، روسیه، آلمان، فرانسه و انگلستان عمده‌ترین صادرکنندگان سلاح‌های متعارف بوده‌اند. در دهه‌های گذشته صادرکنندگان دیگری مانند چین، برزیل، اسپانیا، ایتالیا، هلند، آفریقای جنوبی، اسرائیل، سوئد و برخی کشورهای دیگر وارد این بازار شده‌اند و

سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین جایگاه پنج کشور صادرکننده عمده هم تغییراتی پذیرفته است. اما براساس ارزیابی مؤسسه سیپری این پنج کشور همچنان به‌عنوان صادرکننده عمده سلاح‌های متعارف موقعیت خود را در تجارت جهانی تسلیحات متعارف حفظ کرده‌اند. در این مقطع کشورهای آمریکا، روسیه، آلمان، فرانسه و انگلستان ۷۸٪ درصد تجارت جهانی تسلیحات متعارف را در دست داشته‌اند. هم‌اکنون آمریکا با در اختیار داشتن ۳۱٪ از سهم این بازار به میزان قابل توجهی از دیگران جلوتر است. روسیه ۲۵٪، آلمان ۱۰٪، فرانسه ۸٪ و انگلستان ۴٪ بازار جهانی تجارت تسلیحات متعارف را در اختیار خود دارند.^(۱۷) اسرائیل نیز در این مقطع از صادرکنندگان عمده تسلیحات بوده است. برخی ارزیابی‌ها بر این باورند که اگر صادرات سلاح‌های متعارف اسرائیل به درستی گزارش می‌شد احتمالاً در ترکیب صادرکنندگان مهم جهانی تغییر محسوسی را شاهد بودیم. زیرا ارزش صادرات تسلیحات اسرائیل در سال ۲۰۰۷ بالغ بر چهارمیلیارد و چهارصد میلیون دلار برآورد شده است که رقمی بیشتر از رقم صادرات انگلستان در همان سال را در بر می‌گیرد. عمده اقلام صادرات نظامی اسرائیل وسایل جنگ الکترونیک و دیگر اقلام مرتبط با آن بوده است و از آنجا که گزارش زیادی از آن ارائه نمی‌گردد، در سیستم مطالعاتی سیپری جایگاهی برای آن تعیین نشده است.^(۱۸)

علی‌رغم ورود عرضه‌کنندگان بیشتر در بازار تجارت تسلیحات، عرضه‌کنندگان تسلیحات مهم همچنان توانسته‌اند موقعیت خود را حفظ کنند. اما ترکیب خریداران تسلیحات در طول سال‌های اخیر تغییر زیادی کرده است. در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ پنج کشور عراق، هند، لیبی، سوریه و مصر از دریافت‌کنندگان بزرگ‌ترین محموله‌های سلاح‌های متعارف بودند. در این سال‌ها کشورهای یادشده بیش از ۲۶٪ کل تجارت سلاح‌های متعارف را جذب می‌کردند.^(۱۹) این ترکیب هم اکنون تغییر اساسی کرده است. در طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ پنج کشور شامل چین، هند، امارات عربی متحده، کره جنوبی و یونان با جذب ۳۵٪ از کل تجارت تسلیحات متعارف، عنوان بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان سلاح‌های متعارف را دارا بوده‌اند. جدول‌های ۱ و ۲ دو مقطع زمانی ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ را به‌طور مقایسه‌ای نشان می‌دهد:

جدول ۱. پنج کشور مهم صادرکننده سلاح های متعارف در مقطع ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ و

واردکنندگان مهم

فروشنده عمده	سهم در تجارت جهانی تسلیحات به درصد	کل تعداد دریافت کنندگان	گروه اول دریافت کنندگان باتوجه به درصد دریافتی	گروه دوم دریافت کنندگان باتوجه به درصد دریافتی	گروه سوم دریافت کنندگان باتوجه به درصد دریافتی
آمریکا	۳۵٪	۷۷	تایوان (۹٪)	مصر (۸٪)	ژاپن (۸٪)
روسیه	۲۶٪	۴۷	چین (۴۴٪)	هند (۲۳٪)	ایران (۴٪)
آلمان	۷٪	۵۶	ترکیه (۱۴٪)	استرالیا (۱۱٪)	کره جنوبی (۷٪)
فرانسه	۷٪	۵۵	امارات عربی متحده (۲۱٪)	پاکستان (۱۲٪)	ترکیه (۱۱٪)
انگلستان	۶٪	۴۴	کانادا (۱۸٪)	آمریکا (۱۲٪)	ترکیه (۱۰٪)

منبع: بانک اطلاعاتی نقل و انتقال تسلیحات متعارف مؤسسه سیپری^(۲۰)

جدول ۲. پنج کشور مهم صادرکننده سلاح های متعارف در مقطع ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ و

واردکنندگان مهم

فروشنده عمده	سهم در تجارت جهانی تسلیحات به درصد	کل تعداد دریافت کنندگان	گروه اول دریافت کنندگان باتوجه به درصد دریافتی	گروه دوم دریافت کنندگان باتوجه به درصد دریافتی	گروه سوم دریافت کنندگان باتوجه به درصد دریافتی
آمریکا	۳۱٪	۶۹	کره جنوبی (۱۵٪)	اسرائیل (۱۳٪)	امارات عربی متحده (۱۱٪)
روسیه	۲۵٪	۴۶	چین (۴۲٪)	هند (۲۱٪)	الجزایر (۸٪)
آلمان	۱۰٪	۴۷	ترکیه (۱۵٪)	یونان (۱۳٪)	آفریقای جنوبی (۱۲٪)
فرانسه	۸٪	۳۹	امارات عربی متحده (۳۲٪)	سنگاپور (۱۳٪)	یونان (۱۲٪)
انگلستان	۴٪	۳۷	کانادا (۲۱٪)	هند (۱۴٪)	شیلی (۹٪)

منبع: بانک اطلاعاتی نقل و انتقال تسلیحات متعارف مؤسسه سیپری^(۲۱)

باتوجه به وضعیت موجود در بازار جهانی تجارت تسلیحات متعارف می‌توان مشاهده کرد که آسیا و خاورمیانه همچنان از عمده‌ترین مکان‌های جذب تسلیحات متعارف هستند. وجود بحرآن‌ها و اختلافات مرزی و سیاسی در این مناطق موجب گردیده است تا کشورها به خریدهای تسلیحاتی گسترده همچنان ادامه دهند. این موضوع در مورد سایر مناطق بحرانی نیز صادق است. حس بی‌اعتمادی منطقه‌ای و بین‌المللی بهانه‌ای برای صاحبان صنایع تسلیحاتی نیز فراهم کرده است تا به دنبال کسب سود بیشتر کشورها را به خرید بیشتر تسلیحات ترغیب کنند. خلیج فارس از مناطق بحرانی است که نه تنها به‌عنوان نقطه‌ای حاد در زمینه نقل و انتقال تسلیحات عمل کرده است، بلکه زمینه لازم برای آزمایش سلاح‌های مختلف نیز در آن فراهم آمده است. طی سی سال گذشته این منطقه بیشترین میزان جذب تسلیحات متعارف را داشته است. در دهه ۱۹۸۰ عراق جزو پنج کشور رکورد دار خرید تسلیحات بود. در حال حاضر امارات عربی متحده یکی از بزرگ‌ترین خریداران تسلیحات در سطح جهان است.

پدیده دیگری که در مورد منطقه خاورمیانه در این زمینه قابل توجه است آزمایش‌های فراوانی است که از سلاح‌های متعارف در این منطقه صورت گرفته است. جنگ ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ آمریکا و متحدانش در عراق و همچنین تهاجم ۷ اکتبر ۲۰۰۱ متحدین علیه طالبان در افغانستان و نیز تهاجم سال ۲۰۰۶ اسرائیل به لبنان و اواخر ۲۰۰۸ به غزه فرصتی را فراهم کرده است تا انواع تسلیحات مورد آزمایش قرار گیرند. در واقع جنگ‌های به وقوع پیوسته در این منطقه به‌مثابه آزمایشگاهی برای این سلاح‌ها مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

همان‌گونه که عرضه‌کنندگان تسلیحات با تنوع متقاضیان روبه‌رو هستند، متقاضیان نیز ترجیح می‌دهند تا از منابع متفاوتی تسلیحات خود را تأمین کنند. به عبارت دیگر همان‌گونه که فروشندگان تسلیحات به مشتری‌های گوناگون اسلحه می‌فروشند، خریداران نیز از منابع مختلفی در خرید سلاح استفاده می‌کنند. نکته قابل توجه دیگر این است که فروشندگان عمده تسلیحات در مواردی جزو خریداران عمده تسلیحات هستند. جدول‌های ۳ و ۴ باتوجه به پنج کشور عمده واردکننده تسلیحات متعارف، تنوع فروشندگان را نشان می‌دهد:

جدول ۳. پنج کشور مهم وارد کننده سلاح های متعارف در مقطع ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ و منابع تأمین کننده آنها

واردکننده عمده	سهم واردات جهانی تسلیحات به درصد	کل تعداد تأمین کنندگان	گروه اول تأمین کنندگان باتوجه به درصد صادرات	گروه دوم تأمین کنندگان باتوجه به درصد صادرات	گروه سوم تأمین کنندگان باتوجه به درصد صادرات
چین	۱۲٪	۹	روسیه (۹۲٪)	فرانسه (۳٪)	اکراین (۲٪)
هند	۸٪	۱۴	روسیه (۷۸٪)	ازبکستان (۵٪)	آلمان (۳٪)
یونان	۵٪	۱۳	آمریکا (۵۲٪)	روسیه (۱۷٪)	هلند (۱۰٪)
ترکیه	۵٪	۱۰	آمریکا (۵۴٪)	فرانسه (۱۵٪)	انگلستان (۱۱٪)
کره جنوبی	۴٪	۱۰	آمریکا (۶۷٪)	آلمان (۱۱٪)	فرانسه (۱۱٪)

منبع: بانک اطلاعاتی نقل و انتقال تسلیحات متعارف مؤسسه سیپری^(۳۲)

جدول ۴. پنج کشور مهم واردکننده سلاح های متعارف در مقطع ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ و منابع تأمین کننده آنها

واردکننده عمده	سهم واردات جهانی تسلیحات به درصد	کل تعداد تأمین کنندگان	گروه اول تأمین کنندگان باتوجه به درصد صادرات	گروه دوم تأمین کنندگان باتوجه به درصد صادرات	گروه سوم تأمین کنندگان باتوجه به درصد صادرات
چین	۱۱٪	۶	روسیه (۹۲٪)	فرانسه (۳٪)	اکراین (۲٪)
هند	۷٪	۱۱	روسیه (۷۱٪)	انگلستان (۹٪)	اسرائیل (۶٪)
امارات عربی متحده	۶٪	۱۳	آمریکا (۵۴٪)	فرانسه (۴۳٪)	آلمان (۱٪)
کره جنوبی	۵٪	۸	آمریکا (۷۳٪)	آلمان (۱۲٪)	فرانسه (۹٪)
یونان	۴٪	۱۳	آلمان (۳۱٪)	آمریکا (۲۴٪)	فرانسه (۲۴٪)

منبع: بانک اطلاعاتی نقل و انتقال تسلیحات متعارف مؤسسه سیپری^(۳۳)

براساس داده‌های فوق برخی از تهیه‌کنندگان تسلیحات از روند کم و بیش یکسانی در انتخاب خریداران خود پیروی کرده‌اند. به‌عنوان مثال چین و هند به‌عنوان دو واردکننده عمده تسلیحات در جهان در دو مقطع مورد مقایسه بخش عمده تسلیحات خود را از روسیه تأمین کرده‌اند. در مورد چین با اینکه این کشور از ۹ کشور مختلف اسلحه وارد می‌کند، اما سهم واردات سلاح از روسیه را در هر دو مقطع مورد مطالعه در سطح ۹۲٪ حفظ کرده است. هند نیز اگرچه در مقطع سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ سهم واردات خود را از روسیه حدود ۷٪ نسبت به مقطع ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ کاهش داده است اما روسیه را همچنان با تأمین ۷۱٪ سلاح‌های مورد نیاز خود، به‌عنوان بزرگترین تأمین‌کننده حفظ کرده است. علاوه بر علایق بلوکی به نظر می‌رسد که شکل‌دهی ساختار سیستم دفاعی و نظامی کشور مانع از تغییرات سریع در جایگزین کردن تسلیحات کشورهای دیگر به‌وجود می‌آورد و برای عرضه‌کننده یک بازار نسبتاً بادوام را به‌وجود می‌آورد. تغییر ساختار دفاعی باتوجه به ساختار اولیه یک ارتش کار زمان‌بر و طولانی‌مدتی است.

مهمترین تغییر در زمینه واردکنندگان مهم تسلیحات متعارف مربوط به امارات عربی متحده است. این کشور که در سال‌های اخیر به‌عنوان یک واردکننده عمده در عرصه بین‌المللی مطرح شده است، با جذب انبوه تسلیحات متعارف توجه زیادی را برانگیخته است. در حالی که امارات عربی متحده طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ مقام شانزدهم در واردات تسلیحات متعارف را داشت، در مقطع سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ در ردیف سومین واردکننده جهانی تسلیحات بعد از چین و هند و اولین کشور واردکننده تسلیحات در خاورمیانه قرار گرفته است. از جمله خریدهای تسلیحاتی امارات در این مقطع خرید هشتاد فروند جنگنده F-16E از ایالات متحده آمریکا و پنجاه فروند هواپیمای میراژ 2000-9 از فرانسه بوده است. همچنین با عقد قرارداد خریدهای تسلیحاتی در سال ۲۰۰۸ امارات انتظار دارد که در سال‌های آینده نیز همین وضعیت را حفظ کند.

وضعیت تسلیحات در خاورمیانه

خاورمیانه به‌عنوان یک منطقه بحرانی همواره یکی از کانون‌های اصلی جذب تسلیحات متعارف بوده است. در مقطع سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ خاورمیانه ۱۸٪ کل نقل و انتقال تسلیحات جهانی را به خود اختصاص داده است. رشد خریدهای تسلیحاتی در خاورمیانه در این مقطع نسبت به مقطع قبل از آن یعنی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ در حدود ۳۸٪ رشد داشته است. از تمامی سلاح‌های متعارفی که در مقطع ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ وارد خاورمیانه شده است ۳۴٪ را امارات عربی متحده، جذب کرده است. اسرائیل با جذب ۲۲٪ و مصر با جذب ۱۴٪ از تسلیحات وارد شده به منطقه خاورمیانه در مقام‌های بعدی ایستاده‌اند. اسرائیل در این مقطع زمانی نسبت به خرید یکصد و دو هواپیمای جنگنده F-16 I و تسلیحات هوایی و سطح به هوا از ایالات متحده آمریکا اقدام کرده است. آمریکا عمده‌ترین تأمین‌کننده سلاح‌های اسرائیل بوده است و اغلب این تسلیحات در قالب کمک‌های نظامی در اختیار اسرائیل قرار گرفته‌اند.^(۲۴) همچنین بخش دیگری از تسلیحات مورد نیاز اسرائیل توسط اعضای اتحادیه اروپا تأمین شده‌اند. اسرائیل در عین حال جزء صادرکنندگان عمده در این مقطع بوده است.

سه‌م جمهوری اسلامی ایران در جذب تسلیحات وارد شده در منطقه خاورمیانه در مقطع سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ در حدود ۵٪ بوده است. بدین ترتیب ایران در ردیف بیست و هفتم جهانی در خرید تسلیحات متعارف بوده است.^(۲۵) این نکته نیز قابل ذکر است که جمهوری اسلامی ایران بخشی از نیازهای نظامی خود را از طریق تولید ملی تأمین کرده است. در این مقطع عراق بعد از جمهوری اسلامی ایران در ردیف بیست و هشتمین کشور واردکننده تسلیحات در سطح جهان قرار داشته است. بیش از چهل درصد واردات تسلیحات متعارف عراق از ایالات متحده آمریکا بوده است. در سال ۲۰۰۸ عراق یکصد و چهل تانک M1A1 سفارش داده است و تمایل خود را برای خرید تعداد قابل توجهی هواپیمای جنگی و نفربرهای زرهی نیز نشان داده است.

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد امارات عربی متحده با خرید بیش از ۷٪ از کل تجارت تسلیحات جهانی مقام سوم واردکننده تسلیحات در سطح جهان و با واردکردن ۳۴٪ تسلیحات وارده به خاورمیانه مقام اول را در خرید تسلیحات در خاورمیانه دارا می‌باشد. با توجه به موقعیت جغرافیایی امارات عربی متحده و وسعت کم سرزمینی این شیخ‌نشین خرید انبوه تسلیحات متعارف از توجیه امنیتی زیادی برخوردار

نیست. به عبارت دیگر این کار ممکن است در درازمدت نتیجه معکوس در بر داشته باشد. وضعیت اقتصادی رو به رشد در سال‌های اخیر، درآمد سرشار و ثروت هنگفت این شیخ‌نشین امکانی فراهم کرده است تا وسوسه انباشت تسلیحات از سوی امارات عربی متحده و حرص و ولع صادرکنندگان تسلیحات از سوی دیگر ارضا شوند. این که آیا این میزان از جذب اسلحه تناسب با ملاحظات امنیتی و قابلیت عملیات نظامی این کشور دارد نیازمند بررسی جداگانه‌ای است.

موضوع دیگری که امروزه به یک نگرانی بین‌المللی تبدیل شده است دستیابی گسترده بازیگران غیردولتی به تسلیحات متعارف پیشرفته است. اگرچه در مناطق مختلف جغرافیایی تجربیات متفاوتی در این زمینه وجود دارد اما نفس موضوع و دسترسی آسان بازیگران غیردولتی و گروه‌های تروریستی به سلاح‌های پیشرفته یک نگرانی عمومی در سطح بین‌المللی را ایجاد کرده است و امنیت ملی کشورها در مناطق مختلف را می‌تواند مورد تهدید قرار دهد.

فقدان شفافیت و سازوکارهای بین‌المللی

اگرچه گزارش‌های مستند و قابل توجهی وجود دارد که نشان‌دهنده افزایش فراوان در هزینه‌های نظامی است اما با این همه قابل‌انکار نیست که هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی زیاد دیگری وجود دارند که از دیدها پنهان می‌مانند. به‌طور طبیعی بسیاری از تولیدات داخلی کشورها و هزینه‌هایی که در مورد توسعه و تحقیقات صورت می‌گیرد، در این قالب مورد محاسبه قرار نمی‌گیرند. کشورها الزامی به گزارش تولیدات داخلی خود در امور نظامی ندارند. بنابراین در این زمینه شفافیت لازم دیده نمی‌شود.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۱ با تصویب قطعنامه‌ای^(۴۶) از کشورهای عضو خواسته است به منظور ایجاد شفافیت در امور تسلیحاتی و ایجاد اعتماد نسبت به برنامه‌های نظامی‌شان گزارش صادرات و واردات مربوط به هفت قلم تسلیحات متعارف خود و نیز داشته‌های نظامی داخلی و تمهیدات از طریق تولید ملی و سیاست‌های مرتبط با آن‌ها را هر سال به سیستم ثبت تسلیحات سازمان ملل متحد ارائه کنند. سیستم ثبت سازمان ملل از ابتدا اشکالات زیادی داشت و با مشکلاتی روبه‌رو بود. این سیستم به سلاح‌های متعارف محدود گردید و گزارش‌دهی پیرامون سلاح‌های

کشتار جمعی را در بر نمی‌گرفت. این ضعف بزرگ سیستم ثبت تسلیحات سازمان ملل موجب گردید که اثر اعتمادسازی آن به‌نحو بارزی با علامت سؤال روبه‌رو شود. زیرا در فقدان شفاف‌سازی در مورد سلاح‌های کشتار جمعی شفاف‌سازی در زمینه تسلیحات متعارف نمی‌تواند اعتماد لازم را در برنامه‌های نظامی کشورها به‌وجود آورد. همین امر موجب شد که بسیاری از کشورها به‌ویژه در منطقه خاورمیانه از گزارش‌دهی پیرامون تسلیحات متعارف خود اجتناب کنند. همچنین در مورد صحت گزارش‌هایی که کشورها ارائه می‌کنند نیز به آسانی می‌توان تردید کرد. زیرا این امر متصور است که دو کشور تهیه‌کننده و واردکننده تسلیحات با تباری با یکدیگر گزارش واقعی از میزان نقل و انتقال تسلیحات مبادله شده بین خود را به سیستم ثبت تسلیحات ارائه نکنند.

از سوی دیگر ماهیت گزارش‌دهی مورد نظر قطعنامه آشکارسازی در تسلیحات داوطلبانه است و الزام حقوقی برای کشورها برای گزارش‌دهی در مورد سلاح‌های متعارف نیز ایجاد نمی‌کند. هم‌اکنون سیستم ثبت تسلیحات متعارف با یک بحران روبه‌رو است. اگرچه در مراحل مختلف این سیستم از فراز و نشیب‌هایی برخوردار بوده است اما در مجموع از رغبت کشورها به اجرای این قطعنامه و گزارش‌دهی در مورد نقل‌وانتقال تسلیحات و تولیدات ملی در این زمینه هر روز کاسته شده است. به‌طور متوسط از سال ۱۹۹۱ تاکنون ۹۹ دولت گزارش خود را به‌طور سالانه ارائه کرده‌اند. در مقطع بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۶ به‌طور میانگین یکصد کشور گزارش‌های خود را در اختیار سیستم ثبت قرار داده‌اند. اوج این مسئله در سال ۲۰۰۱ بود که ۱۲۶ کشور به سیستم ثبت تسلیحات گزارش دادند. اما در سال‌های اخیر این موضوع کاهش شدیدی داشته است. به‌طوری که در سال ۲۰۰۷ فقط ۹۱ کشور نسبت به گزارش‌دهی در این زمینه اقدام کردند. میزان گزارش‌دهی در مناطق مختلف متفاوت بوده است. در سال ۲۰۰۸ در برخی از مناطق کاهش شدیدی در گزارش‌دهی کشورها اتفاق افتاده است. در این سال در مقایسه با سال ۲۰۰۰ در منطقه آفریقا ۴۲٪ کاهش گزارش‌دهی، در منطقه آسیا ۲۸٪ کاهش و در منطقه آمریکای لاتین ۴۶٪ کاهش گزارش‌دهی اتفاق افتاده است.^(۲۷) کشورهای منطقه خاورمیانه از همان ابتدا هیچ اشتیاقی برای اجرای قطعنامه آشکارسازی در تسلیحات نشان ندادند. علت اصلی این بی‌رغبتی برنامه‌های هسته‌ای نظامی اسرائیل و فقدان هرگونه نظارت بر تأسیسات هسته‌ای این رژیم بوده است.

در چارچوب سازمان ملل متحد اقدامات دیگری نیز برای ایجاد شفافیت بیشتر در امر تسلیحات صورت گرفته است که هیچ‌کدام نتیجه زیادی به دست نیاورده‌اند. سازمان ملل برنامه اقدام برای مبارزه با تجارت غیرقانونی سلاح‌های کوچک و سبک را تدوین کرد. این سند همان‌گونه که عنوان آن به خوبی بیان می‌کند به سلاح‌های کوچک و سبک محدود می‌شود. با این حال به دلیل داوطلبانه بودن اجرای برنامه اقدام، بحث‌های زیادی پیرامون مؤثر بودن آن وجود دارد. در سال‌های اخیر برخی از کشورهای غربی و به‌ویژه انگلستان در پی تدوین معاهده‌ای در مورد تجارت تسلیحات برآمده‌اند. اتحادیه اروپا علاوه بر پیگیری این موضوع از طریق سازمان ملل متحد، اقدامات ترویجی فراوانی در مورد ضروری بودن تدوین این معاهده آغاز کرده است. اتحادیه اروپا با همکاری مؤسسه تحقیقات خلع سلاح ملل متحد سمینارهای بین‌المللی و منطقه‌ای در سایر مناطق جغرافیایی تشکیل داده است تا از طریق این سمینارها در مورد ضرورت تدوین این معاهده اطلاع‌رسانی کرده و همراهی کشورها از مناطق مختلف جغرافیایی را از طرح خود به دست آورد. تلاش کشورهای غربی بر این است که با تدوین معاهده الزام‌آور حقوقی مقررات دقیقی را در مورد تجارت تسلیحات فراهم نمایند. پرسش‌های زیادی در مورد مؤثر بودن این معاهده وجود دارد. بدون یافتن پاسخی روشن برای این پرسش‌ها مشکل می‌توان حمایت بین‌المللی به‌ویژه از ناحیه کشورهای مؤثر را برای این معاهده جلب کرد. برخی از کشورها بر این باورند که معاهده موردنظر غربی‌ها می‌تواند به ایجاد نوعی انحصار در تجارت بین‌المللی تسلیحات بینجامد و ممکن است که این معاهده حالت غیر رسمی که هم اکنون در مورد انحصار تجارت تسلیحات وجود دارد، را به شکل قانونی درآورد.^(۲۸) تردیدی نیست که دست‌یافتن به چنین معاهده‌ای و نهایتاً اجرایی کردن آن باتوجه به حساسیت‌هایی که در این زمینه وجود دارد، کار دشوار و زمان‌بری خواهد بود.

تأثیر افزایش هزینه‌های نظامی بر توسعه اقتصادی

افزایش هزینه‌های نظامی تأثیر دوگانه‌ای در زمینه طرح‌های توسعه و رفاه عمومی دارند. به همان میزان که تجارت تسلیحات برای تولیدکنندگان سودآور است و یک نوع بازار اقتصادی پر رونق را برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان سلاح‌ها که اصولاً کشورهای صنعتی هستند به همراه دارد، از سوی دیگر بسیاری از تهیه‌کنندگان به‌ویژه

در کشورهای فقیر را ناچار می‌سازد تا برای تأمین بودجه لازم برای خرید تسلیحات، از بودجه‌های مربوط به توسعه اقتصادی و اجتماعی، فقرزدایی، توسعه سیستم بهداشتی و آموزشی خود بکاهند. این سیاست‌ها زندگی اقشار مختلفی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که اگرچه بخش‌هایی از اقتصاد کشورهای پیشرفته از سود سرشار ناشی از اقتصاد نظامی سود می‌برد، اما در مجموع کلیت جامعه از هزینه‌های بالای بخش نظامی آسیب می‌بیند. با این حال تأثیر منفی هزینه‌های بالای تسلیحاتی در کشورهای تهیه‌کننده تسلیحات و به‌ویژه کشورهای فقیرتر بیشتر است. آیزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا از حزب جمهوری‌خواه در زمان جنگ جهانی دوم در سخنانی در این زمینه این‌گونه اظهار داشت: «هر تفنگی که ساخته می‌شود، هر کشتی جنگی که عملیاتی می‌شود، هر راکتی که پرتاب می‌شود در نهایت سرقت از جیب گرسنگانی است که نمی‌توانند شکم خود را سیر کنند، از جیب کسانی است که در فصل سرما باید بدون تن‌پوش گرم شب را به صبح برسانند. در این جهان هزینه‌های تسلیحاتی فقط هدر دادن پول نیست، بلکه هدر دادن عرق جبین کارگران و هدر دادن نبوغ دانشمندان و امید فرزندان به آینده را هم شامل می‌شود».^(۲۹) نیاز به توضیح نیست که آیزنهاور یک روشنفکر لیبرال در اوایل قرن بیست‌ویک نیست. بلکه فرمانده ارشد نیروهای متحدین در زمان جنگ جهانی دوم در اواسط قرن بیستم است که گستردگی و استفاده از انواع سلاح‌ها در آن نیازمند هیچ شرح اضافه‌ای نیست. اما با این همه نمی‌تواند تبعات هزینه‌های تسلیحاتی را بر کلیت جامعه و توسعه آن کتمان کند. کمیته برنامه‌ریزی سازمان ملل برای توسعه در جمع‌بندی خود در مورد آثار هزینه‌های تسلیحاتی بر توسعه در دهه ۱۹۸۰ میلادی این نتیجه‌گیری را ارائه کرد که «تنها و قوی‌ترین مانع بر سر راه توسعه، هزینه نظامی گسترده جهانی است».^(۳۰) این نتیجه‌گیری کمیته برنامه‌ریزی سازمان ملل برای توسعه مبتنی بر واقعیات اقتصادی فراوان و ارقام و آمارهایی است که از تأثیر هزینه‌های تسلیحاتی بر زندگی مردم در کشورهای مختلف دنیا ارائه شده‌اند.

با این حال موضوع امنیت از دیدگاه کشورها از چنان اهمیتی برخوردار است که هزینه‌های اقتصادی و اثرات جانبی آن در اولویت قرار نمی‌گیرند. بنابراین در مواجهه دو مقوله هزینه‌های تسلیحاتی و توسعه با یک معمای پیچیده و یا پارادوکس روبه‌رو

هستیم. از یک سو هزینه‌های سنگین تسلیحاتی که اثرات خود را به همراه دارد و از سوی دیگر ملاحظات امنیتی که کمترین تسامح را مجاز نمی‌شمارد. اگرچه امنیت زاده عوامل متعددی است و تجربه‌های کشورهای مختلف نشان داده است که تنها با سخت افزار و سلاح بیشتر دولت‌ها قادر به تأمین امنیت درازمدت خود در مقابل دشمنان خارجی و خطرات داخلی نیستند. اما تسلیحات و به تعبیری بخش سخت‌افزاری اولین چیزی است که ذهن هر برنامه‌ریز سیاسی امنیتی را با خود درگیر می‌کند. برخی صاحب‌نظران در این زمینه برای توجیه هزینه‌های فزاینده نظامی این استدلال را طرح می‌کنند که نپرداختن هزینه برای تسلیحات معلوم نیست باعث شود تا آن هزینه‌ها به سمت امور توسعه و رفاه عمومی سوق داده شوند.^(۳۱) کشورها امنیت خود را با هزینه‌های مادی نمی‌سنجند. بنابراین، آنجا که موضوع امنیت مطرح می‌شود بحث از هزینه‌ها و تبعات ناشی از آن برای توسعه در درجات پائین‌تر از اهمیت قرار می‌گیرند.

فسادپذیری تجارت تسلیحات

تجارت تسلیحات به‌عنوان یکی از مهمترین بخش‌های هزینه‌های نظامی در جهان از جمله فسادپذیرترین تجارت‌ها شناخته شده است. اگرچه عناصر مختلفی برای تعریف فساد در نظر گرفته می‌شود، اما در تعریف کلی استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع شخصی به‌عنوان شاخصه اصلی فساد در این زمینه در نظر گرفته شده است.^(۳۲) فساد به‌عنوان یک پدیده چندوجهی، تجارت تسلیحاتی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. صندوق بین‌المللی پول در گزارشی ابعاد مختلف فساد در هزینه‌های نظامی را مورد مطالعه قرار داده است.^(۳۳) در ارزیابی صندوق بین‌المللی پول فساد به طرق مختلف و در هر دو ناحیه عرضه و تقاضا در معاملات تسلیحاتی امکان‌پذیر است. در مواردی عرضه‌کنندگان با تطمیع و یا ارائه رشوه‌های کلان و یا پرداخت کمیسیون‌های غیرمستعارف قراردادهای پر سودی را منعقد می‌کنند. در برخی از کشورها مقررات مالیاتی مربوط به صادرات تسلیحات به این موضوع دامن می‌زند. زیرا که سیستم مالیاتی پرداخت رشوه را جزء هزینه‌های تمام‌شده صادرکننده قلمداد می‌کند. همچنین این کشورها پرداخت رشوه به مقامات خارجی برای اطمینان از عقد قراردادهای تسلیحاتی را به‌عنوان یک عمل مجرمانه در نظر نمی‌گیرند.^(۳۴) در قسمت تقاضا نیز واردکنندگان

ممکن است درگیر اقداماتی گردند که فسادپذیری آنها بالاست. در برخی از کشورها اختیارات فوق‌العاده به کسانی داده می‌شود که برای عقد قراردادهای تسلیحاتی مأمور می‌شوند. همین امر دست آنان را باز می‌گذارد تا در مواردی درگیر اقدامات خلاف گردند.

اما آنچه که بیشتر موجب گردیده است تا این تجارت با فساد شهرت یابد محرمانه‌بودن این معاملات و فقدان شفافیت در آنهاست. قراردادهای نظامی از آنجا که با امنیت کشورها ارتباط پیدا می‌کنند معمولاً مشمول ارائه اطلاعات نیستند و در خفا در حیطه اختیارات تفویض شده به مقام ذی‌ربط منعقد می‌گردند. در بسیار از کشورها گمرکات و مقامات مالیاتی حق ورود به این حیطه و ارزیابی محموله‌های وارداتی را ندارند. در مواردی این امر از تهیه سلاح و تجهیزات نظامی و مواد مرتبط با آن بسیار فراتر رفته و شبکه‌ای را ایجاد می‌کند که حتی کنترل بنادر و فرودگاه‌ها و فروشگاه‌های معاف از مالیات را نیز در بر می‌گیرد.^(۳۵) همه این موارد موجب می‌گردند که امکان بروز فساد در این نوع معاملات در سطح بین‌المللی افزایش یابد. به‌عنوان نمونه در کتابی که جوزف استیگلیتز برنده جایزه نوبل اقتصاد و لیندا بیلمز در سال ۲۰۰۸ در مورد هزینه‌های جنگ آمریکا در عراق منتشر کردند، موارد تکان‌دهنده‌ای از فساد در هزینه‌های نظامی را برشمرده‌اند. یک نمونه آن سپردن امور به دست پیمانکاران نظامی همچون هالیبرتون تحت نظر دیک چنی معاون رئیس جمهور آمریکا بود که موارد متعددی از فساد آن افشا گردید. یک مثال دیگر در این زمینه شرکت بلک واتر بود که در سال ۲۰۰۳ با ۲۷ میلیون دلار برنده مناقصه‌ای شد که کار آن حفاظت از پل برمر فرماندار تعیین‌شده آمریکا در عراق بود. یک سال بعد این قرار داد به یکصد میلیون دلار ارتقا یافت و در سال ۲۰۰۷ این قرارداد به یک میلیارد و دویست میلیون دلار رسید.^(۳۶) رسوایی این شرکت در سال ۲۰۰۷ در مورد شهروندان عراقی اعتراضات زیادی را پدید آورد.

نتیجه‌گیری

هزینه‌های نظامی در دهه‌های اخیر یکی از موضوعات عمده و دغدغه‌های جامعه بین‌المللی بوده است. جنگ سرد یکی از عوامل مؤثری بود که برای چند دهه

به‌عنوان عامل اصلی رقابت‌های تسلیحاتی و به تبع آن هزینه‌های تسلیحاتی عمل می‌کرد. با پایان جنگ سرد انتظار می‌رفت که در این فرایند تغییراتی حاصل شود. برخی اتفاقات زودگذر این خوش بینی را تقویت می‌کرد. در مدت کوتاهی هزینه‌های نظامی رو به کاهش گذاشتند. اما از سال ۲۰۰۲ به بعد روند کاهش هزینه‌های نظامی معکوس گردید و این منحنی سیر صعودی خود را از سر گرفت، به‌گونه‌ای که هم اکنون به اوج خود رسیده است و به یک نگرانی عمده بین‌المللی تبدیل شده است. علت‌یابی اینکه چرا روند افزایش هزینه‌های تسلیحاتی مجدداً و با شدتی بیشتر از گذشته از سر گرفته شده است به درک بسیاری از مشکلات سیستم بین‌المللی موجود کمک خواهد کرد. فقدان اعتماد و بازگشت احساس ناامنی در سیستم بین‌المللی در بروز این پدیده نقش دارد. سیاست توسعه‌طلبانه و یک‌جانبه‌گرایی دولت پیشین آمریکا و توسل به نیروی نظامی در حل بحران‌های بین‌المللی در پیدایش شرایط جدید تأثیرگذار بوده است. سیاست‌های ماجراجویانه و مداخله‌آمیز آمریکا در دهه ابتدایی قرن بیست و یکم شروع خوبی برای این قرن نبود. در حالی که جهان می‌رفت تا بعد از خاتمه جنگ سرد ساز و کار مناسب‌تری را تدارک ببیند که در آن نیازهای اساسی‌تر جامعه بشری اهمیت یافته و به‌نحو شایسته‌تری تأمین گردند، دولت آمریکا با اتخاذ سیاست‌های جنگ‌طلبانه یک انحراف اساسی در تحولات جهانی پدید آورد. در دهه اول قرن بیست و یکم هیچ اقدام اساسی برای خلع سلاح بین‌المللی صورت نگرفت. نهادهای مسئول بین‌المللی هیچ طرح یا سند حقوقی در مورد ایجاد اعتماد به جهانی امن‌تر یا کاهش خطر سلاح‌های کشتار جمعی پدید نیاورد. در مقابل اشتباهی بیشتر برای تهیه و انباشت سلاح‌های گوناگون در مناطق مختلف جغرافیایی پدید آمد. سودآوری تجارت تسلیحات برای چند تولیدکننده بزرگ که طی چندین دهه همچنان موقعیت برتر خود را حفظ کرده‌اند انگیزه بیشتری در آن‌ها پدید آورده است تا این تجارت پر سود را همچنان شکوفا نگه دارند. این هزینه‌ها در عین حال بخش وسیعی از مردم دنیا را از آموزش بهتر، بهداشت مناسب‌تر، رفاه درخور شأن انسانی و آینده روشن‌تر برای فرزندان‌شان محروم می‌کند.

به لحاظ نظری انباشت بیش از حد تسلیحات و افزایش شدید هزینه‌های تسلیحاتی به خودی خود نقش مثبت‌برانداز دارد. به‌ویژه در مناطق بحرانی که سابقه برخوردهای نظامی و جنگ وجود دارد این پدیده خطرات بیشتری به دنبال دارد. اکنون

برخی از مناطق جغرافیایی به کانون عمده جذب تسلیحات تبدیل شده‌اند. این پدیده می‌تواند خطرات جنگ‌های احتمالی را افزایش دهد.

منطقه خاورمیانه و خلیج فارس از کانون‌های بحرانی است که سلاح‌های زیادی به طرف آن سرازیر شده است. جای شگفتی است که اکنون از منطقه خلیج فارس، امارات عربی متحده با سرزمینی بسیار محدود در مقام سومی خریدار جهانی تسلیحات بعد از چین و هند قرار گرفته است. با توجه به سفارش‌های هنگفتی که این شیخ‌نشین به سازندگان بزرگ تسلیحات داده است به نظر می‌رسد که قصد دارد تا برای سال‌های آینده همین موقعیت را حفظ کند. همچنین در خاورمیانه اسرائیل به‌عنوان یک دریافت‌کننده بزرگ تسلیحات عمل می‌کند. این درحالی است که اسرائیل از تولیدکنندگان عمده تسلیحات نیز هست. جنگ‌های اخیر این رژیم در لبنان و غزه و کاربرد گسترده انواع سلاح‌ها موضوع درخور توجهی است. برخی از سلاح‌های به کار رفته از سوی اسرائیل همانند سلاح‌های فشری و گلوله‌های با اورانیوم ضعیف شده اثرات دیرپایی به همراه دارند.

با مروری بر سازوکارهای بین‌المللی موجود و بویژه در چارچوب سازمان ملل به‌وضوح می‌توان دریافت که خلأ زیادی در شفاف‌سازی و اعتمادسازی در این زمینه وجود دارد و این نیز بر حساسیت و نگران‌کنندگی افزایش هزینه‌های نظامی می‌افزاید.

یادداشت‌ها

۱. کن بوث و دیگران، *استراتژی معاصر*، ترجمه هوشمند میرفخرایی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹، صفحه ۱۲۴.
2. Jack C. Plano, Roy Olton, “*the International Relations Dictionary*”, California, USA, Forth Edition 1988, P. 223
۳. برای توضیح بیشتر در این زمینه بنگرید به رساله کارشناسی ارشد نگارنده تحت عنوان «تحول نظام بین‌الملل و خلع سلاح بین‌المللی»، دانشکده روابط بین‌الملل، ۱۳۷۴، بخش اول.
4. US Arms Control and Disarmament Agency, “Arms Control and Disarmament Agreements” Text and Histories of Negotiations, Washington D.C 1993.
5. Ibid., P. 62.
۶. برای توضیح بیشتر در این زمینه بنگرید به رساله کارشناسی ارشد نگارنده تحت عنوان «تحول نظام بین‌الملل و خلع سلاح بین‌المللی»، دانشکده روابط بین‌الملل، ۱۳۷۴ ص ۲۵.
7. The Covenant of the League of Nations, Article 8. First paragraph
۸. منشور ملل متحد در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو به امضا رسید. در ششم آگوست همان سال هیروشیما مورد حمله هسته‌ای آمریکا قرار گرفت.
۹. منشور ملل متحد ماده ۱۱.
10. Samuel P. Huntington, “Clash of Civilizations?” *Foreign Affairs*, Summer 1993, P. 7.
11. SIPRI Yearbook, 1986.
12. Mark Bromley, Paul Holtom, Sam Perlo- Preeman and Peter D. Wezeman, “Recent Trends in the Arms Trade” SIPRI Background Paper April 2009.
13. Sam Perlo- Freeman, The SIPRI Arms Transfer database- the global arms Trade 2003- 2007, Geneva, UNIDIR, 24 February 2009.
14. www.Globalissues.org/ World Military Spending. Last update, Sunday, 13 September 2009.
15. Report by Ambassador Gusti Agung Wesaka Puja of Indonesia, the Coordinator for transparency in Armaments in the Conference on Disarmament, Geneva, 10 March, 2009.
16. Mark Bromley, Paul Holtom, Sam Perlo- Preeman and Peter D. Wezeman, P.2.
17. SIPRI Arms Transfers Database: <http://armstrade.sipri.org>
18. Mark Bromley, Paul Holtom, Sam Perlo- Preeman and Peter D. Wezeman, P.9.
19. Ibid, P.4.
20. <http://armstrade.sipri.org>
21. <http://armstrade.sipri.org>

22. <http://armstrade.sipri.org>
23. <http://armstrade.sipri.org>
24. Mark Bromley, Paul Holtom, Sam Perlo- Preeman and Peter D. Wezeman, P.8.
25. Ibid, P.8.
26. General Assembly Resolution 46/36L (December 1991).
27. Draft report of the Group of Governmental Experts to Review the Continuing Operation of the UN Register of Conventional Arms and its further Developments, 29.04.2009, Part B.
۲۸. بسیاری از کشورهای کلیدی عضو جنبش عدم تعهد و به ویژه آن‌ها که در صنایع تسلیحاتی سرمایه‌گذاری‌هایی کرده‌اند از این دیدگاه حمایت می‌کنند. آن‌ها بر این باورند که چنین معاهده‌ای ممکن است وضع نابرابر موجود را در تجارت تسلیحات تثبیت کند.
29. **Dwight D. Eisenhower**, 34th president of US 1953-1961 (1890 - 1969). From a speech before the American Society of Newspaper Editors, April 16, 1953.
30. Sadet Deger, "Military Expenditure in The Third World Countries, The Economic Effects", Routledge & Kegan Paul, London, 1986, P.5.
31. Fanny Coulomb, "Theories of Peace and War, Studies in Defense Economics" Routledge, Taylor & Francis Group, New York, P.6.
32. Bradhan, Pranab, "Corruption and Development: A review of Issues" Journal of Economic Literature" Vol.35, 1999, PP. 1320-46.
33. Sanjeev Gupta, Luiz de Mello, Raju Sharan, "Corruption and Military Spending" International Monetary Found, February 2000, P. 3.
34. Ibid, P.5.
35. Ibid, P.6.
36. Joseph E. Stiglitz and Linda J. Bilmes, "The Three Trillion Dollar War, the True Cost of the Iraq Conflict", Penguin Books, London and New York, 2008.